

آموزشی برنامه‌ریزی

عنوان دوره: برنامه‌ریزی آموزشی
کد دوره: ۹۱۴۰۰۴۶۷



دکتر فرخ لقا رئیس دانا
دکتر مسعود وفائی

مفهوم برنامه‌ریزی
آموزشی، تعاریف
برنامه‌ریزی آموزشی
تحلیل تعاریف در
سیر تحول.



زیر نظر: مرکز آموزش نیروی انسانی، و دفتر انتشارات کمک آموزشی
هدف‌های کلی دوره آموزشی:

- بازنمایی تعاریف برنامه‌ریزی آموزشی
- مروری بر سیر پیدایش و تحول برنامه‌ریزی آموزشی
- تبیین نقش برنامه‌ریزی آموزشی در توسعه نظام آموزشی
- بازشناسی با انواع برنامه‌ریزی آموزشی و سطوح گوناگون آن
- تبیین فرایندهای برنامه‌ریزی آموزشی
- آشنایی با روش‌ها، رویکردها و مدل‌های برنامه‌ریزی آموزشی.

اشاره

روی سخن در این مجموعه گفتار تحت عنوان «برنامه‌ریزی آموزشی»، با فرهیختگانی چون معلم، مدیر، دبیر، مشاور، کارشناس، مربی و یا هنرآموز است که با علاقه و شوق افزایش دانش، بینش و مهارت حرفه‌ای خویش به جمع رهجویان آموزش ضمن خدمت پیوسته‌اند و هدفشان کمال‌جویی در طریق هدایت نونهالان این مرز و بوم است. بعید به نظر می‌رسد این مخاطبان شایسته از اطلاعات لازم در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی برای ایفای درست نقش معلمی و مربی‌گری برخوردار نباشند و آن را پایه و اساس سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی آموزش در هر سطح و هر نوع به حساب نیاورند. آن چه ضرورت مطالعه بیشتر در این حوزه به عبارت دیگر، هدف‌های ارائه این درس را توجیه می‌کند شاید عبارت باشد از:

۱. بازسازی ذهن و اندیشه نسبت به پیشینه و ادبیات موجود و بررسی سیر یا روند تحول و تغییر در سیاست‌های آموزشی؛
۲. سامان بخشی نظام‌مند دانش و اطلاعات و داده‌های موجود و قابل کاربرد در عمل، در این زمینه؛
۳. آشنایی با نظر‌ها، رویکردها، الگوها و معیارهای نواز ذخائر دانشی گسترده و غنی امروز در سایه وجود ارتباطات برخط جهانی؛
۴. ایجاد درک مشترک و امکان گفت‌وگو میان کارگزاران صحنه آموزش و پرورش درباره مفاهیم، فرایندها، راهبردها، الگوها، عملکردها و بایسته‌های حوزه برنامه‌ریزی آموزشی^۱.

دلایل توجیهی دیگر و یافته‌هایی از نوع دیگر را به مطالعه کنندگان این مجموعه و دانش پژوهان دوره وا می‌نهمیم.

پیش‌گفتار

که از چشم‌انداز آموزش و پرورش یا تربیت برای قرن بیست و یکم سرچشمه می‌گیرد و مبتنی بر تبیین نیازهای آینده است. مهم‌ترین بخش دیدگاه‌ها توجه به بدیهیاتی چند درباره رویکردها و راهبردهای حل مسئله است. واقعیت این است که ما امروزه، دیگر نمی‌توانیم برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی را صرفاً با محتوا و روش‌های سنتی تهیه و تولید و اجرا کنیم.

چالش‌های امروزی برای تهیه، تولید و اجرای برنامه‌های آموزشی به منظور رسیدن به توسعه پایدار از طریق تربیت نونهالان، فراوان و پیچیده است. به ثمر رساندن چالش‌ها، به دیدگاه‌های مشترک برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و مجریان از جمله مدیران و معلمان و کارشناسان آموزشی نیازمند است. دیدگاه‌هایی



فعالیت‌هایی است که به هر نوع ممکن با آموزش سروکار دارد و کار و هدف آن نظام‌مند کردن همه عوامل تأثیرگذار بر تربیت و آموزش است. همین هدف توجیه‌کننده اهمیت برنامه‌ریزی آموزشی و ضرورت تهیه و تدوین آن است برنامه‌ریزی آموزشی انواع گوناگون دارد و در سطوح متفاوت آموزشی قابل طراحی بوده و هم‌چون علوم دیگر تربیتی دارای تعاریف، مفاهیم، تاریخچه، فرایند، راه و روش‌ها، اصول راهبردها و الگوهاست.



با توجه به مطالب اشاره شده در پیش‌گفتار و ورودی آرام به حوزه «برنامه‌ریزی آموزشی» به صورت تلنگری بر اذهان به منظور ایجاد انگیزه‌ای بالنده برای پی‌گرفتن موضوع و برانگیختن عزمی جزم جهت گسترش دانش و بینش و مهارت در زمینه‌های نو مرتبط با «برنامه‌ریزی آموزشی» ادبیات برنامه‌ریزی آموزشی را با بهره‌گیری از منابع موجود و در دسترس در چند مقوله یا سرفصل، به شرح زیر مورد مذاقه قرار می‌دهیم. سرفصل‌ها عبارت‌اند از:

- تعاریف، مفاهیم و اصطلاحات برنامه‌ریزی آموزشی
- تاریخچه و سیر تحول برنامه‌ریزی آموزشی
- برنامه‌ریزی آموزشی و توسعه آموزش و پرورش
- سطوح برنامه‌ریزی آموزشی
- انواع برنامه‌ریزی آموزشی
- فرایندها، رویکردها و الگوهای متفاوت برنامه‌ریزی آموزشی

هریک از فصول شامل عناوینی است که اهم مؤلفه‌های مرتبط با سرفصل را پوشش می‌دهد. روش ارائه مطالب و محتوا بیشتر تحلیلی و گاهی انتقادی است. امید است دانشجویان نیز با همین شیوه مطالب را مطالعه کنند و به دقت درباره محتوای مطرح شده بیندیشند و به جست‌وجوی دانش و اطلاعات بیشتر از منابع دیگر نیز بپردازند. معلمان، مدیران، کارشناسان و مربیان لازم است در گسترش دانش خود درباره نقش و جایگاه برنامه‌ریزی آموزشی در نظام آموزش و پرورش به ویژه در توسعه و فرایند تهیه و تدوین آن بکوشند و نیز از سطوح و انواع برنامه‌ریزی آموزشی و الگوها و مدل‌های مطرح در دنیا آگاه شوند و با بهره‌گیری از

انجام این مهم به رویکردها و راهبردهای نو نیاز دارد. رویکردها و راهبردهایی قابل انعطاف، اصلاح‌پذیر، تغییرپذیر، مشارکت‌جو، موقعیت‌محور، پویا و رسا و بجا. برنامه‌های آموزشی امروز باید بیشتر بر افراد، یادگیرنده‌ها و مردم تأکید داشته باشد و نه صرفاً بر محتوا.

گستره آموزش و پرورش امروز افزایش قابل توجهی یافته است. این گستره امروزه نه فقط نظام آموزش رسمی بلکه نظام‌های آموزش غیررسمی و نیمه‌رسمی را نیز تحت پوشش دارد. «تربیت یک فرد فقط نتیجه کوشش‌های عمدی و رسمی خانواده و مدرسه نیست، بلکه نتیجه همه عواملی است که در شکل‌گیری شخصیت او نقش دارند.» (معیری ۱۳۷۶، ص ۱۲). لذا محتوای تربیت حاصل از برنامه‌ریزی آموزشی باید به نوعی، پاسخ‌گوی نیازها و توقعات و انتظارات فرد و جامعه، به صورت همه‌جانبه، باشد.

دغدغه برنامه‌ریزان امروزی دو وجه دارد:

۱. رسیدن به فهم و درک بهتر اعتبار آموزش در ابعاد تجربی خاص و قابل مشاهده؛
۲. کمک به تعریف شایسته راهبردهای تغییر (یونسکو ۲۰۰۳، مقدمه).

برنامه‌ریزی آموزشی مجموعه دانشی بین‌رشته‌ای^۲ است که موجبات استقرار یک نظام کارآمد آموزش و پرورش را فراهم می‌کند و به صورت شاخه‌ای از علوم تربیتی، زیرمجموعه مدیریت آموزشی استقرار یافته و عمری در حدود چند دهه دارد؛ اگرچه منشأ و ماهیت آن به هزاران سال پیش یعنی به قدمت فرهنگ و تمدن بشری برمی‌گردد.

گستره برنامه‌ریزی آموزشی چنان‌چه از عنوان آن برمی‌آید شامل همه عناصر، عوامل، پدیده‌ها و



تفکر نقاد به تحلیل قضایای مرتبط با این حوزه بپردازند تا بتوانند در ارتباط با اصلاح و تغییر و بازسازی آن مشارکت کنند و خود منشأ ایجاد تحول در این حوزه شوند.

انتظار این است که دانش‌پژوهان در پایان دوره بتوانند:

- تصویری کلی از معنا و مفهوم «برنامه‌ریزی آموزشی»، گستره، اهمیت و ضرورت و جایگاه آن در نظام جامع آموزشی را بازنمایی ذهنی کنند و این تصویر را به صورتی روشن، جامع و مستند شرح دهند؛
- تعاریف مطرح را از ابعاد و زوایای گوناگون مقایسه و آن‌ها را طبقه‌بندی کنند؛
- عناصر و مؤلفه‌های مبنایی برنامه‌ریزی آموزشی را بگویند و در چون و چرایی آن‌ها بحث و اظهار نظر کنند؛
- انواع برنامه‌ریزی آموزشی را نام ببرند و ویژگی‌های آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کنند؛
- سطوح متفاوت برنامه‌ریزی آموزشی را از طریق کاربردهای آن‌ها در برنامه‌ریزی آموزشی توجیه کنند؛
- فرایندهای برنامه‌ریزی آموزشی را تشریح و توجیه کنند؛
- تفاوت‌های میان «برنامه‌ریزی آموزشی» و «برنامه‌ریزی درسی» را توضیح دهند؛
- ارتباط برنامه‌ریزی آموزشی و توسعه نظام آموزشی و توسعه پایدار کشوری را تبیین نمایند؛
- روش‌ها و الگوهای متفاوت برنامه‌ریزی آموزشی را بشناسند و کاربردهای هر یک را تبیین و تشریح کنند؛
- نظام برنامه‌ریزی آموزشی کشور جمهوری اسلامی ایران را با برخی نظام‌های ممکن مقایسه و نقاط قوت و ضعف آن را برشمرند؛
- سؤالات کلیدی در ارتباط با آسیب‌شناسی حوزه «برنامه‌ریزی آموزشی» را مطرح و راه‌حل‌های خود را بیان کنند؛
- نقش خود را به عنوان معلم، مدیر، کارشناس، مشاور و... در اجرای موفق برنامه‌های آموزشی تشریح کنند.

فصل ۱

تعاریف، کلیدواژه‌ها، مفاهیم و تحلیل سبب تحول تعاریف

مقدمه

اساسی‌ترین بخش حل هر مسئله، شناخت دقیق کلیات و جزئیات مرتبط با آن و لازمه شناخت، درک درست مفاهیم، اصطلاحات و تعاریف‌های وابسته به آن مسئله است. با توجه به محوریت مسئله «برنامه‌ریزی آموزشی»، در این فصل ضمن معرفی و بیان مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با موضوع، تعاریف گوناگون مطرح در دنیای امروز نظام‌های آموزشی را مورد تحلیل و داوری قرار می‌دهیم. از آن‌جا که شکل‌گیری برنامه‌ریزی آموزشی حاوی مفاهیم آموزش، برنامه‌ریزی و برنامه است، لذا مفاهیم اصطلاحات و کلیدواژه‌های مرتبط با هر سه جز به شرح زیر ارائه می‌شوند^۱:

آموزش: مهاتما گاندی، مصلح بزرگ آموزشی، گفته است: «آموزش عبارت است از کشف استعدادها و فیزیکی، عقلانی و معنوی انسان و هدایت آن‌ها به سمت رشد به بهترین وجه ممکن.» (آگاروال^۲ و تاکور^۳، ۲۰۰۳).
فروبل^۴ نیز گفته است: «آموزش عبارت است از به فعل درآوردن همه استعدادها بالقوه انسان» (همان).
تعریفی که یونسکو، سازمان بین‌المللی علمی-فرهنگی، از





برنامه‌ریزی فرایند

رسمی تصمیم‌سازی

برای آینده افراد یا

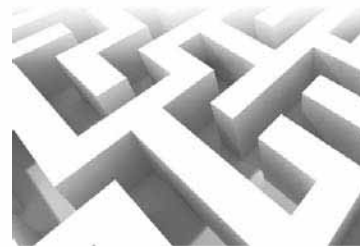
سازمان است

وجوه و ابعاد این جریان است. لذا تفکیک این امر واحد به دو جریان متمایز مانند: «آموزش» و «پرورش» و یا «تعلیم» و «تربیت» مشکلات نظری و عملی فراوانی را پیش می‌آورد. براین اساس، «تربیت» به عنوان امری جامع، شامل تمام فرایندهای زمینه‌ساز تحول اختیاری و آگاهانه آدمی در نظر گرفته شده است که به عنوان امری واحد و یکپارچه، با تمام ابعاد وجودی انسان، به مثابه یک کل، سروکار دارد. بدیهی است که هر یک از فرایندهای زیرمجموعه این عنوان جامع، نمی‌توانند در عرض آن مطرح شده و یا به عنوان رقیب تلقی شوند. آنچه باید رخ دهد همانا تربیت است اما با ابزارها و روش‌های متفاوت. به بیان دیگر، مراد از «تربیت» در این مجموعه، مفاد همان اصطلاح مرکب «تعلیم و تربیت» است که به غلط رایج شده و کاربرد فراوان یافته است.» (رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۷).

نظام آموزش و انواع آن: نظام آموزش شبکه‌ وسیعی از نهادها و برنامه‌هایی است که انواع گوناگون آموزش در سطوح متفاوت تحصیلی را برای مخاطبان آموزش فراهم می‌کند. انواع آموزش بدون شرح و تفصیل عبارت‌اند از: آموزش همگانی، آموزش عمومی، آموزش اجباری، آموزش رایگان، آموزش فنی، آموزش حرفه‌ای، آموزش رسمی، آموزش غیررسمی یا نیمه‌رسمی، آموزش از راه دور، آموزش مجازی و...؛ سطوح آموزش نیز بدون شرح و تفصیل عبارت‌اند از:

آموزش به دست داده این است: «کلیه تعاملات سازمان یافته، نظام‌مند و پایدار که به منظور تسهیل ایجاد یادگیری طراحی می‌شود» (یونسکو ۱۹۹۷). در این تعریف، منظور از **سازمان یافته و نظام‌مند** یعنی طراحی شده به شکلی معین، دارای چارچوب و اهداف متکی بر نیازها، دیدگاه‌ها و رویکردهای موردنظر و حاوی روش‌ها و رویه‌های کارآمد منتهی به تحقق اهداف. منظور از **پایدار**، در نظر گرفتن عوامل زمان و استمرار در تجارب پیش‌بینی شده، با توجه به این نکته که طول زمان و چگونگی استمرار در هر نوع از آموزش به تناسب نیاز و شرایط همان نوع آموزش قابل تعیین است، و منظور از **یادگیری**، تغییر یا پیشرفت در رفتار یادگیرنده اعم از دانش، فهم، نگرش، ارزش... و یا مهارت اوست. فرهنگ فارسی معین، آموزش را تعلیم و تربیت یا پرورش اطلاق کرده است. (معین ۱۳۶۳) و شورای عالی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران واژه «تربیت» را به جای آموزش و پرورش معادل education برگزیده و توجیه این گزینش را به شرح زیر برشمرده است:

«در پیشینه علمی و فرهنگی ما از گذشته‌های دور واژه «تربیت» شامل تمام ابعاد و جنبه‌های فرایند زمینه‌ساز تحول اختیاری و آگاهانه آدمی بوده و لذا نیاز به واژه تکمیل‌کننده‌ای مانند تعلیم ندارد. مفهوم تربیت در بردارنده و جامع تمام اجزا و عناصر مرتبط با این فرایند (مانند تعلیم، تزکیه، تادیب، تدریس و مهارت‌آموزی) است. همان‌گونه که در منابع تربیتی غرب واژه (Education) در بردارنده تمام



آموزش پیش دبستانی، آموزش دبستانی، آموزش دبیرستانی، آموزش و تربیت معلم، آموزش عالی، آموزش‌های تکمیلی و تخصصی.^۷

برنامه‌ریزی: برنامه‌ریزی عبارت از فرایندی رسمی برای اتخاذ تصمیمات در مورد آینده افراد و یا سازمان‌هاست. برنامه‌ریزی شامل تعیین مقصد نهایی و هدف‌های مشخص، انتخاب راهبردها و برنامه‌های درست به منظور دستیابی به مقاصد، معین کردن و اختصاص دادن منابع مورد نیاز و پیش‌بینی تدارکات لازم برای اجرای آن می‌شود. حاصل هر نوع برنامه‌ریزی، برنامه‌ای است که آنچه باید انجام شود را تبیین و توجیه می‌کند و توالی و زمان‌بندی اجرای مراحل آن را می‌نمایاند (همان، بند ۳۲).

به‌طور خلاصه، برنامه‌ریزی فرایند رسمی تصمیم‌سازی برای آینده افراد یا سازمان‌هاست. برنامه‌ریزی با هدف‌ها سروکار دارد؛ به‌گزینه‌ها راهبردها دست می‌زند و رویه‌های خاصی را اتخاذ می‌کند تا دسترسی به هدف‌ها تسهیل و عملی شود، و امکانات و تجهیزات ضروری برای تحقق هدف‌ها مشخص می‌گردد.

در کل، برنامه‌ریزی‌ها و برنامه‌های حاصل از آن‌ها، ابزارهای رسمی و مصوب و راهبردها و رویه‌های متوالی و فرایندی رسیدن به هدف‌ها هستند. واضح است که هدف‌ها خود عبارت از خواسته‌ها و انتظارات موردنظر و پیش‌بینی شده بوده و بر ارزش‌ها و ایده‌آل‌ها و آرمان‌های زندگی مبتنی بر فلسفه موردنظر (در جمهوری اسلامی ایران: مبتنی بر فلسفه، آرمان^۸ و ایدئولوژی اسلامی) متکی هستند.^۹

برنامه: «برنامه^{۱۰}» حاصل فرایند برنامه‌ریزی است. «برنامه‌سند یا مدرکی است شامل مجموعه‌ای از ارقام و مؤلفه‌های مربوط به هم که مطلوب‌ترین توسعه را در طول یک دوره معین در آینده پیش‌بینی می‌کند.» (تین‌برگن، یان. نقل از تقی پورظهیر ص ۲۷). برنامه معمولاً سندی رسمی است برای انجام کارها و ملاکی است برای ارزشیابی فعالیت‌ها و نتایج حاصل از اجرا.

برنامه‌ها از نظر مدت زمان اجرا به برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت طبقه‌بندی می‌شوند. برنامه‌های کوتاه‌مدت معمولاً برای یک سال تا پنج سال تهیه و تدوین می‌شوند، برنامه‌های میان‌مدت برای پنج تا ده سال و برنامه‌های بلندمدت برای بیشتر از ده سال و به‌طور معمول، بیست ساله تنظیم می‌شوند. سندهای

چشم‌انداز از این نوع برنامه‌ها هستند. برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت در راستای تحقق هدف‌های بلندمدت (چشم‌اندازها) تهیه می‌شوند و بدون اجرای مناسب و مؤثر و معتبر آن‌ها هدف‌های دوردست برنامه‌های بلندمدت قابل دسترسی نیست. در بعضی از کشورها برنامه‌های بلندمدت و گاهی میان‌مدت توسط حکومت‌های مرکزی و برنامه‌های کوتاه‌مدت توسط مقامات منطقه‌ای و محلی تهیه می‌شوند. در بعضی دیگر از کشورها به‌ویژه آن‌هایی که نظام برنامه‌ریزی متمرکز دارند، برنامه‌ها در همه سطوح توسط حکومت مرکزی تهیه و تدوین و از نظر اجرا هدایت، نظارت و کنترل می‌شوند.

برنامه‌ریزی آموزشی:

الف - مفهوم

برنامه‌ریزی آموزشی در کل، عبارت از تهیه و تبیین هدف‌های واضح و روشن بر مبنای سیاست‌های منبعث از فلسفه موردنظر و طراحی راهبردهای کارآمد و اثربخش برای دسترسی به آن هدف‌ها در حوزه تعلیم و تربیت یا آموزش و پرورش است. برنامه‌ریزان آموزشی، گروهی صاحب‌نظر و کارشناس متخصص‌اند که بر مبنای فلسفه فکری حاکم بر جامعه، در حوزه آموزش و پرورش، آن‌چنان سیاست‌گزینی و هدف‌گذاری می‌کنند و آن‌چنان در تعیین و تشخیص و فراهم کردن زمینه‌های تأمین منابع و امکانات می‌کوشند که بتوانند با اثربخش‌ترین راه‌ها و روش‌های ممکن، نیازهای تعلیم و تربیت کشور را برطرف نمایند.

نیازها در دنیای دانش‌محور امروز بسیار گسترده، مسائل آموزشی و پرورشی بسیار فراوان و پیچیده و راه‌حل‌ها و راهبردها در سایه پژوهش‌ها و تجربه‌ها بسیار گوناگون‌اند. بنابراین می‌توان گفت برنامه‌ریزی آموزشی هنر شناخت درست، انتخاب درست و تدوین نظامی درست برای همه مؤلفه‌های دست در کار تربیت است. به عبارتی بسیار ساده، مفهوم برنامه‌ریزی آموزشی تبیین و تعریف، نظام‌مندی (توالی و زمان‌بندی کارهایی است که در حوزه آموزش و پرورش و در جهت تحقق هدف‌ها باید انجام بشود.

ب- تعاریف

ساده‌ترین تعریف برای برنامه‌ریزی آموزشی عبارت

است از: تهیه و تدوین برنامه برای آموزش در گستره‌ای مشخص، زمانی معین، سطحی خاص برای رسیدن به تمامیت‌ها و مقاصد آموزشی گوناگون. به تعبیر یونسکو برنامه‌ریزی آموزشی «اقدامی علمی و منطقی برای حل مسائل آموزشی است.» [یونسکو، ۱۹۸۸].

برنامه‌ریزی آموزشی از چارچوب مشخصی برنامه‌ریزی تبعیت می‌کند؛ یعنی عملی فرایندی است و طی مراحل مستمر و منظم با توجه به فلسفه کلی آموزش و پرورش به تعیین نیازها، اولویت‌ها، فرصت‌ها، منابع، امکانات و محدودیت‌ها و تهدیدها می‌پردازد؛ بر آن مبنا هدف‌های غائی و مقاصد کلی را تعیین می‌نماید و یا بر مبنای هدف‌ها و نیازهای تعیین شده از قبل، فعالیت‌های دست‌یابی به هدف‌ها را سازمان‌دهی می‌کند؛ سپس با بهره‌گیری از روش‌ها و راهبردهای مؤثر و کارا به تهیه و تدوین برنامه می‌پردازد. قلمرو برنامه‌ریزی آموزشی وسیع است و از حوزه‌های خرد تا کلان را شامل می‌شود. مهر محمدی (۱۳۸۰) می‌نویسد: «قلمرو برنامه‌ریزی آموزشی معطوف به وضع شاخص‌ها و هدف‌های کمی برای نظام آموزشی در سطوح متفاوت از خرد تا کلان و ارزیابی تحقق آن از نظر کمیت‌هاست». کومبز^{۱۱} (۱۹۷۰) برنامه‌ریزی آموزشی را کاربرد منظم روش‌های تحلیلی دربارهٔ هریک از اجزای نظام آموزشی به منظور استقرار یک نظام آموزشی کارآمد تعریف می‌کند. (نقل از مشایخ ۱۳۸۰). این تعریف گفته شده است که اولین تعریف دقیق و علمی از برنامه‌ریزی آموزشی بوده است که در اولین کتاب کومبز در همین موضوع با عنوان «برنامه‌ریزی آموزشی چیست»^{۱۲} ارائه شده است.

آدامز^{۱۳} به نقل از مشایخ (۱۳۸۰)، براساس ادبیات انتشار یافته در مقولهٔ برنامه‌ریزی آموزشی یک بررسی تطبیقی در مقیاس بین‌المللی انجام داده و تعاریفی را به شرح زیر استخراج کرده است:

۱. «برنامه‌ریزی یک فرایند انتخاب عقلایی-فنی است.» این تعریفی است که سازمان همکاری‌های اقتصادی توسعه (OECD)^{۱۴} در سال ۱۹۶۲م به دست داده است.
۲. «برنامه‌ریزی یک ماتریس تصمیمات مرتبط است که به طور وابسته به هم، مرحله‌ای و نظام‌یافته اتخاذ می‌شود.» این تعریف از وست چرچمن^{۱۵} است که در سال ۱۹۷۱ ارائه شده است.

۳. «برنامه‌ریزی یک راهبرد تصمیم‌گیری و کنترل شده به وسیله سیاست و اعمال قدرت است.» این تعریف توسط ویلر^{۱۶} در سال ۱۹۸۰ مطرح شده است.

۴. «برنامه‌ریزی عبارت است از تعامل و فراعامل بر مبنای تصمیم‌هایی که حاصل گفت‌و شنود است.» این تعریف در سال ۱۹۷۳ توسط فریدمن^{۱۷} ارائه شده است.

۵. «برنامه‌ریزی تهیهٔ نقشه‌هایی از زمان، فضا و علیت‌ها در جایگاه‌های جدید است.» این تعریف نیز در سال ۱۹۸۵ توسط اینبر^{۱۸} به دست داده شده است.

۶. «برنامه‌ریزی یک فرایند آموزشی یا یادگیری اجتماعی است» این تعریف نیز از فریدمن در سال ۱۹۸۴ میلادی است.^{۱۹}

۷. این که چه افرادی تعاریف را به دست داده‌اند اگرچه از نظر ارزش‌گذاری کار علمی آن‌ها مهم است اما برای دانشجویان - معلم ایرانی که اندازهٔ توجه به روند تغییر و تحول در تعاریف ارائه شده مهم نیست. (نویسنده مقاله).

شپرد^{۲۰} (۲۰۱۰) از قول دیویس^{۲۱} (۱۹۹۴) می‌نویسد: «برنامه‌ریزی عبارت است از تهیه و تدوین هدف‌های واضح و روشن، طراحی راهبردهای کارآمد و اثربخش به منظور دست‌یابی به هدف‌های منبعث از نیازهای پیچیده فرد».

خود آدامز برنامه‌ریزی را «تلاشی برای برآورد پیشاپیش چگونگی تحقق هدف‌ها» تعریف کرده است. (آیت‌اللهی، ۱۳۷۷). بعضی تعاریف نیز برنامه‌ریزی آموزشی را زیربخشی از اقتصاد آموزشی به شمار می‌آورند و می‌گویند که برنامه‌ریزی آموزشی عبارت است از «آزمودن گزینه‌های ممکن و انتخاب میان آن‌ها براساس یک هدف مشخص.» (مشایخ ۱۳۸۰، نقل از ویندهام ۱۹۸۵).

آدامز معتقد است طرح‌های توسعهٔ آموزش در کشورهای عضو و وابسته به سازمان ملل متحد بر کاربرد الگوهای ریاضی مبتنی بوده‌اند، در حالی که استفاده از الگوهای ریاضی در برنامه‌ریزی اگرچه لازم است اما کافی نیست؛ زیرا هدف‌ها یا مسائلی که در الگوهای ریاضی قابلیت بازتاب ندارند ممکن است از نظر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان دور بماند (همان، ص ۲۰۰).



ج- تحلیل تعاریف در سیر تحول

تعاریف اولیه برنامه‌ریزی آموزشی بیشتر معطوف به هدف‌گذاری و تعیین مسیر تحقق هدف‌ها بوده است. راسخ (۱۳۴۵) در کتاب تعلیم و تربیت در جهان امروز، برنامه‌ریزی آموزشی را طرح تدابیری عنوان کرده است که بتواند به بهترین وجه از منابع موجود برای نیل به هدف‌های مطلوب استفاده کند. (نقل از تقی پورظهير ۱۳۸۵، ص ۲۵۰). در تعاریف بعدی هم بر اهمیت تعیین راه و روش‌ها و راهبردهای تحقق هدف‌ها تأکید گشته و هم این‌که به عنصر کنترل و ارزشیابی تحت عنوان برنامه‌ریزی مستمر توجهی خاص شده است.

در ابتدا که دامنه و گستره برنامه‌ریزی آموزشی محدود بوده، مقصود از برنامه‌ریزی آموزشی بیشتر تربیت نیروی انسانی لازم برای انجام مأموریت‌های خدمت‌ی، اغلب از نوع نظامی و آموزشی، بوده است. اما در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی تعاریف برنامه‌ریزی بیشتر رنگ و بوی رشد اقتصادی گرفته و در دو دهه بعد تا کنون، رگه‌های مرتبط با رشد عوامل اجتماعی را نیز می‌توان در آن‌ها مشاهده کرد. شیخاوندی (۱۳۴۹) در کتاب «برنامه‌ریزی آموزش و پرورش و رشد اقتصادی و اجتماعی» نوشته است: «برنامه‌ریزی تدابیر آگاهانه‌ای است که برنامه‌ریزان آموزشی برای نیل به هدف‌های معین به منظور رشد اقتصادی و اجتماعی جامعه اتخاذ می‌کنند.» (نقل از همان، ص ۲۶).

در حالی که تعاریف ابتدایی بیشتر برنامه‌ریزی را در قالب زمان و وضعیت موجود می‌بیند، تعاریف نوین معطوف به چشم‌اندازهای آینده است. مشایخ (۱۳۸۰) در تعریف برنامه‌ریزی آموزشی می‌نویسد: «مفهوم نوین برنامه‌ریزی آموزشی به معنای اتخاذ مجموعه‌ای از تصمیمات عقلانی برای انجام دادن اقدامات لازم در زمینه گسترش آموزش آینده است.» (ص ۱۹۷). تحلیل و تصمیم عقلانی به معنای پیروی از نظامی مشخص و کارا، اتخاذ فرایندی هدفمند و قابل توسعه، مؤثر و مفید در رفع نیازهای فرد و جامعه و پاسخ‌گو به هر دوی آن‌هاست. در همین سند آمده است: «برنامه‌ریزی آموزشی با آینده سروکار دارد و از تجربیات گذشته نیز بهره می‌برد. برنامه‌ریزی آموزشی فرایندی است که طی آن علاوه بر تعیین مقصد به روش و وسایل مورد نیاز- در حدود امکانات، برای وصول به مقصد توجه می‌شود؛ از این رو، هدف برنامه‌ریزی آموزشی

منحصراً گسترش کمی آموزش نیست. توسعه آموزش با توجه به کیفیت و کمیت آن توأم مورد نظر است» (همان، ص ۱۹۸). از این تعریف نکته دیگری در جهت تحول تعریف برنامه‌ریزی آموزشی توجه را جلب می‌کند و آن نکته این است که تعاریف قدیمی تر و سنتی برنامه‌ریزی آموزشی بیشتر بر کمیت عوامل و متغیرهای آموزشی و رشد کمی آن‌ها توجه کرده‌اند. در حالی که در تعاریف جدید، توجه بر کیفیت‌ها و رشد کیفی ارجح است؛ اگرچه رشد کمی هیچ‌گاه از نظر دور نمی‌ماند.

علاوه بر نکته‌های گفته شده، تعاریف قدیمی تر گستره محدودتری را مورد نظر دارند و توسط گروه‌های خاص (نهادهای، مدارس و امثال آن) اعمال می‌شوند. در حالی که در تعاریف جدیدتر، گستره برنامه‌ریزی وسیع و معمولاً در حد ملی است و مسئولیت تهیه و تدوین آن بر عهده سیاست‌گذاران حکومتی منطقه‌ای یا محلی است.

امروزه به نظر می‌رسد که بنا بر یک اتفاق نظر جهانی، برنامه‌ریزی به صورت مشارکتی ارجح است. لذا دامنه برنامه‌ریزی‌های آموزشی از سطح مرکزی به سطوح منطقه‌ای و محلی کشانده شده است. اگرچه در بسیاری از کشورهای دنیا هنوز از برنامه‌های سنتی برنامه‌ریزی آموزشی استفاده می‌شود، اما مطالعات ادبیات در این حوزه نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی آموزشی طی سال‌های گذشته دچار تحولات مهمی شده است. بعضی از تحولات را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- برنامه‌ریزی آموزشی از صورت متمرکز بیرون آمده و به سوی برنامه‌های نیمه‌متمرکز و یا غیرمتمرکز متمایل شده است؛
- برنامه‌ریزی‌های مشارکتی امروزه در بسیاری از نظام‌های آموزشی دنیا باب شده‌اند؛
- برنامه‌ریزی‌های آموزشی از توجه به فاکتورها و شاخص‌های کمی به توجه به فاکتورها و شاخص‌های کیفی روی آورده‌اند؛
- رویکردهای خشک و غیرقابل انعطاف به رویکردهای منعطف، مدرسه‌محور و حتی دانش‌آموز‌محور تغییر گرایش داده‌اند؛
- ملاک‌های استاندارد مبنا و امکانات‌محور برنامه‌ریزی‌های پیشین برای استقرار ملاک‌های تقاضا‌محور و موقعیت مبنا جا باز کرده‌اند.





آموزش مفهوم سرعت

مخاطبان: دبیران و دانش آموزان علوم سال اول راهنمایی تحصیلی

یکی از دروسی که در پایه اول راهنمایی دیرفهم و مشکل به نظر می‌رسد و اکثر دانش آموزان به درستی آن را درک نمی‌کنند، موضوع سرعت است. برای تدریس این قسمت، بهتر است روی زمین، در حیاط مدرسه، فاصله‌ای را مشخص کنیم، مثلاً به اندازه ۴۰ متر روی زمین نشان بگذاریم. حالا چند دانش آموز داوطلب را مشخص می‌کنیم. دانش آموزان یکی یکی مسیر را طی می‌کنند. ما برای هر کدام زمان را اندازه می‌گیریم. با یادداشت کردن زمان در کنار نام دانش آموز روی تخته کلاس، بچه‌ها به راحتی می‌فهمند هرکس زمان کمتری کسب کرده، برنده است. اکنون برای دانش آموزان سرعت را توضیح می‌دهیم و از آنان می‌خواهیم که سرعت هر کدام را به دست آورند. فاصله برای همه یکی است. پس ۴۰ را بر عددی که زمان دویدن آن‌هاست، تقسیم می‌کنند و سرعت به دست می‌آید.

از آن‌جا که بچه‌ها بازی را دوست دارند، از این روش استقبال می‌کنند. هم‌زمان با این مورد، می‌توان دانش آموزان را با حرکت شتاب‌دار که در آن دانش آموز سرعتش کم یا زیاد می‌شود (مثل شروع دویدن و پایان آن) و حرکت بدون شتاب (تقریباً وسط مسیر) که با سرعت یکنواخت می‌دود نیز آشنا کرد یا مسافت و جابه‌جایی را برای آن‌ها مشخص کرد. وقتی دانش آموز عملاً این حرکت‌ها را انجام داد، فراموش کردنش به حداقل می‌رسد و درس راحت‌تر از آن‌که معلم پای تخته مسیری را رسم کند و یا وسیله‌تقلیه‌ای را به ذهن دانش آموز آورد، تدریس می‌شود.

پی‌نوشت

1. UNESCO 2003, FUNDAMENTALS OF EDUCATIONAL PLANNING.
2. interdisciplinay
۳. از آن‌جا که تعاریف بنابر دیدگاه، رویکرد و رویه فکری تعریف‌کننده گوناگون است و ارائه همه یا غالب‌نظرها در این مجموعه نمی‌گنجد، سعی شده است. به صورت گلچین تعاریف گسترده‌تر و همخوان با دیدگاه‌ها و رویکردهای نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران مطرح شوند.
4. Aggarwal
5. Thakur
6. Frobel
۷. تشریح هریک از انواع و سطوح در فصل ۳ آمده است.
۸. آرمان تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی عبارت است از: تحکیم ایمان به خدای یکتا، وحی الهی، معاد، عدل، امامت و رهبری و کرامت والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت (مصوب سبصدویست و پنجمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۶۲).
۹. هدف‌های نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی در همان منبع در طبقات پنج‌گانه شامل: اهداف معنوی و تربیتی؛ ۲. علمی و فرهنگی؛ ۳. اجتماعی؛ ۴. سیاسی و ۵. اقتصادی با ۲۳ زیر طبقه آمده است. مراجعه معلمان به این منابع و آگاهی نسبت به مفاد آن ضروری است.
10. plan or program
11. Coombs
۱۲. این کتاب؛ «برنامه‌ریزی آموزشی چیست؟» تألیف فیلیپ کومبز (۱۹۷۰) توسط دکتر محمدرهبران منش ترجمه و در سال ۱۳۵۶ توسط دانشگاه تهران انتشار یافته است.
13. Adams
14. Organization of Economic Cooperation and Development
15. West Churchman
16. Weiler
17. Fridman
18. Inber
۱۹. این‌که چه افرادی تعاریف را به دست داده‌اند، اگرچه از نظر ارزش‌گذاری کار علمی آن‌ها مهم است اما برای دانشجو - معلم ایرانی به اندازه توجه به روند تغییر و تحول در تعاریف ارائه شده مهم نیست. (نویسنده مقاله)
20. Sheppard
21. Davis

منابع

۱. آیت‌اللهی، علی‌رضا ۱۳۷۷. اصول برنامه‌ریزی. مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲. میلز، رابرت. کاربرد روان‌شناسی در آموزش. ترجمه کدیور، پروین. ۱۳۶۸. مرکز نشر دانشگاهی. تهران.
۳. رهنما، نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۷، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش.
۴. کومبز، فیلیپ. برنامه‌ریزی آموزشی چیست؟ ترجمه برهان‌منش، محمد ۱۳۵۶. انتشارات دانشگاه تهران.
۵. مشایخ، فریده ۱۳۸۰. برنامه‌ریزی آموزشی در کاردان ۱۳۸۰. علوم تربیتی، ماهیت و قلمرو آن. انتشارات سمت. تهران.
۶. معیری، محمدطاهر ۱۳۷۶. مسایل آموزش و پرورش ایران. انتشارات امیرکبیر. تهران.
۷. معین، محمد ۱۳۶۳. فرهنگ معین. انتشارات امیرکبیر. تهران.
۸. مهرمحمدی، محمود ۱۳۸۰. برنامه‌ریزی درسی در کاردان ۱۳۸۰. علوم تربیتی، ماهیت و قلمرو آن. انتشارات سمت. تهران
9. Aggarwal and Thakur, 2003, IIEP, concepts and Terms of Educational planning, New Delhi _110016.
10. Unesco/ IIEP, (1988). Introduction to Educational planning, Module1, unesco, paris.
11. Unesco, 2003, Fundamentals of Educational Planning, unesco.